

شهیدی که به بهشت نمی رود!

آنچه می‌خوانید گزیده‌ای از درس اخلاق آیت الله قرهی*، مدیر حوزه علمیه امام مهدی (عج‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است که در مسجد حوزه علمیه یاد شده، واقع در حکیمیه پیرامون مقام والدین و ضرورت نکوداشت جایگاه آن‌ها، ایراد شده است.



آنچه می‌خوانید گزیده‌ای از درس اخلاق آیت الله قرهی*، مدیر حوزه علمیه امام مهدی (عج‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است که در مسجد حوزه علمیه یاد شده، واقع در حکیمیه پیرامون مقام والدین و ضرورت نکوداشت جایگاه آن‌ها، ایراد شده است. در روایات اسلامی در رابطه با موضوع نیکی کردن این طور آمده است: «لِكُلِّ بِرٍّ» یعنی برای هر نیکی در عالم، نیکی برتری وجود دارد؛ جهاد و شهادت فی سبیل‌الله مافوق تمام نیکی‌هاست و آن قدر باب مهمی است که خداوند فرمود: «وَفَتْحَتْلِي لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ» به این معنا که خداوند باب شهادت را فقط برای بندگان خاص خودش باز کرده است. شهادت اوج بندگی انسان است و تمام حضرات معصومین (ع) و حتی وجود مقدس صاحب‌الزمان (ع) به وسیله شهادت به محضر خدا رسیدند؛ و زمانی که قسّیسین حضرت حق، محضر امام زمان (ع) را درک می‌کنند در رکاب ایشان به شهادت می‌رسند.

در روایت شریفی به نقل از پیامبر اسلام (ص) آمده است که روزی حضرت موسی‌بن‌عمران (ع) به خداوند عرضه داشت: خدایا حال دوست من که شهید شده، در عالم برزخ چگونه است؟ خداوند به حضرت موسی (ع) گفت: او در جهنم است.

حضرت موسی (ع) با تعجب به خدا عرضه داشت خدایا مگر وعده نکرده‌ای که شهید با اولین قطره خونسش به بهشت می‌رود و همه گناهانش آمرزیده می‌شود، خدا به حضرت موسی (ع) گفت: بله اما دوست تو اصرار به آزردن پدر و مادرش داشت و من عمل کسی را که بر پدر و مادرش ستم کند قبول نمی‌کنم، حتی با شهادت؛ بنابراین کسانی اسمشان در طومار شهداء نوشته می‌شود که عاق والدین نباشد.

روایتی از امام زین‌العابدین (ع) در کتاب رساله حقوق نقل شده است که ایشان فرمودند: «وَأَمَّا حَقُّ ابْنِكُمْ فَتَعْلَمُ أَنَّهُ أَصْلُكَ وَ أَتَكَ فَرْعُهُ وَ أَتَكَ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ، فَمَهْمَا رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا تُعْجِبُكَ فاعْلَمَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ الزَّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ وَ أَحْمَدُ اللَّهِ وَ أَشْكُرُهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ» «وَأَمَّا حَقُّ پَدْرَتِ رَا بَایِدِ بَدَانِیْ کِه اَو اَصْل وَ رِیشَه توست وَ تُو شاخه او هستی، وَ بَدَانِیْ کِه اَگَر اَو نَبود تُو نَبودی، پَس هر زمانی در خود چیزی دیدی که خوش آمد بدان که از پدرت داری، زیرا اصل و اساس نعمت و خوشی تو، پدرت است، و خدا را سپاس بگزار و به همان اندازه شکر کن».

در قرآن کریم این طور آمده است که هر خوبی که به انسان می‌رسد از ناحیه خداوند متعال است اما هر عمل زشتی که به انسان می‌رسد نتیجه اعمال خودش است و اصل تمام خصلت‌های نیک در انسان از پدرش و به واسطه اوست بنابراین بر خدا و پدرت شکرگزاری کن و هیچ قوه و نیرویی جزء از ناحیه خداوند نیست. در روایت شریفی به نقل از پیامبر اسلام (ص) آمده است که روزی حضرت موسی‌بن‌عمران (ع) به خداوند عرضه داشت: خدایا حال دوست من که شهید شده، در عالم برزخ چگونه است؟

خداوند به حضرت موسی (ع) گفت: او در جهنم است؛ حضرت موسی (ع) با تعجب به خدا عرضه داشت خدایا مگر وعده نکرده‌ای که شهید با اولین قطره خونسش به بهشت می‌رود و همه گناهانش آمرزیده می‌شود، خدا به حضرت موسی (ع) گفت: بله اما دوست تو اصرار به آزردن پدر و مادرش داشت و من عمل کسی را که بر پدر و مادرش ستم کند قبول نمی‌کنم، حتی با شهادت به سبب اذیت کردن پدر و مادر، آن نعمتی که از ناحیه خداوند به پدر تفویض شده است تبدیل به نعمتی می‌شود و اگر کسی خونسش ریخته شود، به هدر رفته و جهنمی است، بنابراین اگر نعمت با لطف کردن به «رَبِّ صَغِيرٍ» یعنی پدر و مادر توأم و همراه شد آن موقع معنی نعمت را به خود می‌گیرد.

روایتی از پیامبر اکرم (ص) در کتاب‌های اصول کافی و بحارالانوار ج ۷۴ نقل شده است که به انسان‌ها یادآوری می‌کنند و می‌فرمایند: حقوق دارای مراتبی است و فوق تمام حقوق این است که انسان باعث شود که پدر و مادرش به وسیله او بمیرند؛ بنابراین انسان با خواندن هزار رکعت نماز مستحبی به جایی نمی‌رسد، اما راه توبه در صورتی که توبه حقیقی باشد باز است.

یکی از راه‌های رسیدن به قرب الهی،

اطاعت محض از فرامین الهی است

یکی دیگر از راه‌های رسیدن به قرب الهی، اطاعت محض از فرامین الهی است اما سؤالی در اینجا مطرح می‌شود که چرا اولیای الهی بر این باورند که مسائل الهی تعبدی است؟ در جواب این سؤال باید گفت که اموری که خداوند برای انسان‌ها برنامه‌ریزی کرده است فوق عقل بشری است و عقل بشری نمی‌تواند آن‌ها را درک کند، بنابراین گوش دادن به اوامر پدر و مادر، انسان را به اوج می‌رساند. انجام دادن دو عمل نیک، شهید سید احمد پلارک را به این مقام رفیع رساند، یکی از آن‌ها این بود که روزی سید احمد پلارک با ماجرائی

برخورد که نتیجه آن انجام دادن گناهی بزرگ بود اما از آن چشم‌پوشی کرد، در نتیجه او را به اوج رساند یعنی لحظه‌ای، محکم و قوی به نفس اماره و شهوتش نه گفت و اوج گرفت. دیگر اینکه سید احمد پلارک به مادرش گفته بود جبهه رفتن من باید با رضایت قلبی تو باشد بنابراین خداوند پرده‌هائی را از جلوی چشمانش کنار زد و باعث شد تا حقایق را درک کند؛ امام خمینی (ره) فرمودند: بعضی از شهداء یک روزه ره صد ساله فهمیدند و رفتند. اگر انسان عاق والدین شده باشد، می‌تواند تکبر را کنار گذاشته و به وسیله خضوع و خشوع دل پدر و مادرش را به دست آورد پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرمودند: منظور از خضوع و خشوع این است که در مقابل آن‌ها بی‌ادب ننشینی و مؤدب باشی و صدايت را نسبت به صدای پدر و مادر بالاتر نبری. روایتی از امام زین‌العابدین (ع) در کتاب رساله حقوق نقل شده است که ایشان فرمودند: واما حقّ پدرت را باید بدانی که او اصل و ریشه توست و تو شاخه او هستی، و بدانی که اگر او نبود تو نبودى، پس هر زمانی در خود چیزی دیدی که خوست آمد بدان که از پدرت داری، زیرا اصل و اساس نعمت و خوشی تو، پدرت است، و خدا را سپاس بگزار و به همان اندازه شکر کن.

از مرحوم شیخ غلام‌الحسین اشرفی (ره) نقل شده است که روزی در زمان کودکی پای منبر شیخ فضل‌الله محلاتی (ره) نشسته بودم که فرمودند: کسی که می‌خواهد به اوج مقامات الهی برسد صدایش را از صدای پدر و مادرش پایین‌تر بیاورد و از آن زمان به بعد به این دستور عمل کردم در حالیکه پدر و مادرم به من می‌خندیدند که چرا صدایم را نازک می‌کنم.

بوسیدن دست و پای پدر و مادر کبر و غرور را پایین می‌آورد؛ آیت‌الله مکارم شیرازی نقل می‌کنند که هر وقت به شیراز می‌رفتم دست و پای پدر و مادرم را می‌بوسیدم و در ادامه گفتند هیئات اگر انسان فکر کند که تنهائی به جائی می‌رسد.

مرحوم ملامحسن فیض کاشانی نقل می‌کنند که اگر سجده به غیر از خدا واجب می‌شد، یقیناً بر پدر و مادرم سجده می‌کردم؛ بنابراین اگر آن طوری که نباید با پدر و مادر برخورد کرد برخورد شود، فرزندان بدتر از آن را با او برخورد می‌کنند و بهتر این است که قبل از اینکه پدر و مادر چیزی را از ما طلب کنند، آن کار را به رایشان انجام بدهیم. کسانی که پدر و مادرشان را از دست داده و از دار دنیا رفته‌اند و از طرفی عاق آن‌ها نیز شده‌اند، می‌توانند برای انجام هر عمل مستحبی که قصد انجام آن را دارند، پدر و مادرشان را نیز در ثواب آن اعمال شریک کنند البته غیر از اعمال واجب و خوب است که هر جمعه قبل از طلوع آفتاب بر سر مزارشان بروند تا مشکل شان برطرف بشود و روزانه حداقل ۱۱۰ مرتبه برای آن‌ها استغفار کند، بنابراین هیچ موقع نباید پدر و مادر فراموش شوند و همان طور که پروردگار رب عظیم برای انسان‌ها حیّ ابدی است، ربّ صغیر نیز باید برای انسان‌ها حیّ ابدی باشند.